

از شعله ور کردن آتش جنگ خودداری کنید جنگ برای اکثریت اهالی فاجعه آفرین و برای اقلیت لاشخوران جنگی ارمغان آور ننگ و نفرت بر جنگ افروزان و جنایتکاران جنگی گسترده ترو مستحکم تر باد همبستگی اکثریت اهالی جامعه بمتابه قربانیان جنگ آمریکا-اسرائیل و ایران و جنگ چهل اندی ساله اقلیت در قدرت حکومت اسلامی در ایران

- «کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام» و نه به اعدام به عنوان اصلی ضروری برای دفاع از حق حیات

تداوم کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در ۵۶ زندان مختلف در هفته صدویست و یکم

- تجمع اعتراضی کارکنان پردیس دانشگاه علوم پزشکی مشهد نسبت به سطح نازل حقوق، تبعیض در پرداختی ها و عدم پرداخت کامل و منظم حقوق و مطالبات؛ تجمع دوباره در صورت عدم پاسخگویی به مطالبات

- تجمع کارکنان بهداشت دانشگاه علوم پزشکی نیشابور برای دستیابی به مطالبات و در اعتراض به عدم پاسخگویی مسئولان

- برده داری نوین در شرکت‌های تاکسی اینترنتی زیرسایه سکوت مصلحتی دولت و وزارت کار

- آموزش نظامی به کودکان نقض آشکار کنوانسیون حقوق کودک

- حامد تیزرویان عکاس محیط زیست بازداشت شد

- لیست اسامی 9 روزنامه‌نگار زندانی در ایران

- نت بلاکس : تلاش رژیم ایران برای گسترش چنگال دیجیتال خود در سطح بین‌المللی

- تجمع اعتراضی کارگران در آتن نسبت به افزایش تورم و گرانی و کاهش قدرت خرید و ثابت ماندن دستمزدها

- جان باختن یک دستیار سال اول رشته تخصصی اطفال بر اثر سقوط از طبقه چهارم مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور رشت

- جان باختن یک کارگر معدن نگین در پروده طبس بر اثر گازگرفتگی

- جان باختن یک کارگر جوان یکی از واحدهای صنعتی شهرستان ملایر بر اثر برقگرفتگی

* «کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام» و نه به اعدام به عنوان اصلی ضروری برای دفاع از حق حیات

تداوم کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» در ۵۶ زندان مختلف در هفته صدویست‌ویکم

حاکمان مستبد ایران بیش از دو ماه است خیابان‌های شهرها را توسط عوامل و وابستگان حداقلی خود، اشغال کرده و آموزش استفاده از سلاح در ملاءعام می‌دهند و با استفاده ابزاری از کودکان در این محافل، قصد نهادینه کردن خشونت و سرکوب علیه شهروندان و معترضان را دارند.

حکومت نامشروع ولایت فقیه در هفته اخیر زندانی سیاسی، هموطن بلوچ عبدالجلیل شهبخش، را در زندان زاهدان به دار آویخت؛ و در اقدام جنایتکارانه دیگر محمد عباسی، یکی از دستگیرشدگان خیزش دی ماه، را به اتهام شرکت در قیام، اعدام کرد. این در حالی است که فاطمه عباسی، دختر وی به ۲۵ سال حبس محکوم شده و اینک در زندان اوین محبوس است.

دیکتاتوری حاکم، در وحشت از سرنگونی با صدور و اجرای احکام ظالمانه اعدام هدفی جز ایجاد ترس و وحشت در جامعه ندارد؛ در کنار زندانیان سیاسی هر روز شاهد اعدام جوانان با اتهامات غیرسیاسی هستیم.

ما بارها گفته‌ایم که اعدام، صرف‌نظر از نوع اتهام، تنها اجرای یک حکم ناعادلانه قضایی که حق حیات را از انسان سلب می‌کند نیست بلکه مهم‌ترین ابزار سرکوب و قتل حکومتی است که ریشه‌های عمیق سیاسی، طبقاتی و ایدئولوژیک در حاکمیت ولایت فقیه دارد. این ابزار برای ایجاد وحشت در میان مردم به کار گرفته می‌شود تا ستم‌دیدگان را به تسلیم وادار کند، اما زهی خیال باطل!

اگر امروز حکومت جوانان را یکی پس از دیگری به دار می‌کشد، به‌خوبی می‌داند که این جوانان با تمام وجود تبعیض طبقاتی را لمس کرده‌اند و از فساد و غارت سیستماتیک حاکمیت آگاهند. آن‌ها را اعدام می‌کند تا بترساند، اما غافل از آن‌که این خشونت نتنها خاموش‌کننده نیست، بلکه در دل‌ها بذر آگاهی، مقاومت و خیزش می‌کارد.

ما باور داریم در برابر این اعدام‌ها نباید مقهور شد. کارزار نه به اعدام، یک گام ضروری به سمت عدالت و آزادی و رفع هرگونه تبعیض و ستم در ایران فردا است.

مخالفت آشکار و عملی با اعدام یک سنجه بسیار مهم و تعیین‌کننده و سنگ محک واقعی برای مبارزان امروز است.

ما در کارزار سه‌شنبه‌های نه به اعدام به عنوان بخشی از جنبش نه به اعدام از تمام فعالان سیاسی، حقوق‌بشری، صنفی و مدنی می‌خواهیم برای توقف اعدام بیش از پیش متحد شوند و از کارگران و معلمان و دانشجویان و بازنشستگانی که تاکنون صدای بلند نه به اعدام در کوی و برزن بوده‌اند درخواست می‌کنیم صدای ما را به گوش وجدان‌های بیدار در جوامع بین‌المللی برسانند.

کارزار «سه‌شنبه‌های نه به اعدام» به امید ایرانی آزاد و به دور از سرکوب و اعدام، و در اعتراض به صدور و اجرای احکام اعدام در ایران، سه‌شنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۵ در صدوبیست و یکمین هفته در ۵۶ زندان زیر در اعتصاب غذا می‌باشد:

زندان اوین (بندهای زنان و مردان)، زندان قزلحصار (واحدهای ۲ و ۳ و ۴)، زندان مرکزی کرج، زندان فردیس کرج، زندان تهران بزرگ، زندان قرچک، زندان خورین ورامین، زندان چوبیندر قزوین، زندان اهر، زندان اراک، زندان لنگرود قم، زندان خرم آباد، زندان بروجرد، زندان یاسوج، زندان اسد آباد اصفهان، زندان دستگرد اصفهان، زندان شیبان اهواز، زندان سپیدار اهواز (بندهای زنان و مردان)، زندان نظام شیراز، زندان عادل‌آباد شیراز (بندهای زنان و مردان)، زندان فیروز آباد فارس، زندان دهدشت، زندان زاهدان (بندهای زنان و مردان)، زندان برازجان، زندان رامهرمز، زندان بهبهان، زندان بم، زندان یزد (بند زنان و مردان)، زندان کهنوج، زندان طبس، زندان مرکزی بیرجند، زندان مشهد، زندان گرگان، زندان سیزوار، زندان گنبد کاووس، زندان قائمشهر، زندان رشت (بندهای مردان و زنان)، زندان رودسر، زندان حویق تالش، زندان ازبرم لاهیجان، زندان دیزل‌آباد کرمانشاه، زندان اردبیل، زندان تبریز، زندان ارومیه، زندان سلماس، زندان خوی، زندان نقده، زندان میاندوآب، زندان مهاباد، زندان بوکان، زندان سقز، زندان بانه، زندان مریوان، زندان سنندج، زندان کامیاران و زندان ایلام.

هفته صدوبیست و یکم

۲۹ اردیبهشت ۱۴۰۵

#کارزار_سه‌شنبه‌های_نه_به_اعدام

***تجمع اعتراضی کارکنان پردیس دانشگاه علوم پزشکی مشهد نسبت به سطح نازل حقوق، تبعیض در پرداختی‌ها و عدم پرداخت کامل و منظم حقوق و مطالبات؛ تجمع دوباره در صورت عدم پاسخگویی به مطالبات**

روز دوشنبه 28 اردیبهشت ماه



از جمله مطالبات تجمع کنندگان:

- 1- پرداخت کامل و منظم حقوق و مزایا و تسویه معوقات (حق لباس، کارانه، رفاهیات ...)
 - 2- رفع تبعیض و نابرابری در نظام پرداخت (توزیع ناعادلانه کارانه و رفاهیات ویژه)
 - 3- رعایت تناسب حقوق با عوامل شغلی و معیارهای قانونی
 - 4- بازنگری در مزایا و تسهیلات رفاهی متناسب با نرخ تورم و افزایش هزینه‌های زندگی
- تجمع کنندگان اعلام کردند در صورت عدم تحقق مطالبات با حضور گسترده تر در روز دوشنبه 4 خرداد ماه دست به تجمع خواهند زد.
- *تجمع کارکنان بهداشت دانشگاه علوم پزشکی نیشابور برای دستیابی به مطالبات و اعتراض به عدم پاسخگویی مسئولان**

تصویر منتشره در شبکه های اجتماعی بتاريخ 29 اردیبهشت، از تجمع کارکنان بهداشت دانشگاه علوم پزشکی نیشابور برای دستیابی به مطالبات و در اعتراض به عدم پاسخگویی مسئولان، خبر می دهد.



در همین رابطه: تجمع همزمان جمعی از کارکنان بهداشت دانشگاه های علوم پزشکی اصفهان و مشهد برای دستیابی به مطالبات و در اعتراض به عدم پاسخگویی مسئولان

یکشنبه 27 اردیبهشت

گزارشی از تجمع اصفهان برگرفته از شبکه های اجتماعی

مطالبات کارکنان محیطی مراکز بهداشت شهرستان اصفهان

1- روز پنجشنبه برای کارکنان محیطی نیز تعطیل اعلام شده یا به عنوان دورکاری ثبت شود.

2- بخشنامه واحد و رسمی استانی برای جلوگیری از تشتت رویه صادر گردد.

3- در صورت نیاز به خدمت رسانی، شیفته بندی حداقلی و داوطلبانه با پرداخت فوق العاده در نظر گرفته شود، نه الزام حضور عمومی.

مطالبه گران تأکید کرده اند که هدف از این درخواست، کاهش کیفیت خدمت رسانی نیست، بلکه «برقراری عدالت اداری، تقویت انگیزه شغلی و بهبود بهرهوری» است.

در تجمع امروز کارکنان علوم پزشکی اصفهان همچنین افراد خواستار احقاق حقوق قانونی خود، پاسخگویی شفاف مسئولان و اصلاح احکام حقوقی شدند.

تصویری از تجمع اصفهان:



تصاویری از تجمع جمعی از کارکنان بهداشت در ساختمان ستادی دانشگاه علوم پزشکی مشهد:





*برده داری نوین در شرکت‌های تاکسی اینترنتی زیرسایه سکوت مصلحتی دولت و وزارت کار

سودهای نجومی پلتفرم‌های دیجیتال در حالی فربه‌تر می‌شود که رانندگان و پیک‌های اینترنتی بدون کمترین چتر حمایتی، بیمه و امنیت شغلی در خیابان‌ها جان می‌کنند. حتی با طرح بیمه رانندگان هم مقابله می‌شود.

در روزگار بحران‌زده‌ی کنونی و ضربات پیاپی به معیشت طبقه‌ی کارگر، بسیاری از حقوق بنیادین این طبقه در غبار همه‌های رسانه‌ای به حاشیه رانده شده است؛ از جمله یکی از مبرم‌ترین آن‌ها، «حق بیمه و تامین اجتماعی» برای رانندگان تاکسی‌ها و موتورهای اینترنتی‌ست. این مطالبه‌ی حیاتی که قریب به یک سال است به‌صورت میدانی و قانونی پیگیری می‌شود، در چنبره‌ی بوروکراسی و لابی‌گری‌ها بی‌سرانجام مانده است.

برپایه گزارش رسانه‌ای شده بتاريخ 29 اردیبهشت، شرکت‌های انحصاری مخالف تخصیص این حق اولیه، که مشخصاً دو شرکت بزرگ تاکسی‌های اینترنتی هستند، با لابی‌های گسترده‌ی خود، مدام در مسیر اجرای قانون سنگ‌اندازی می‌کنند. تئوریسین‌های حامی اقتصاد بازار آزاد نیز در این مدت کوشیده‌اند با انتشار مقالات و برگزاری سمینارها، این ادعای واهی را به کرسی بنشانند که تحمیل هزینه‌ی بیمه‌ی رانندگان، ضربه به اقتصاد دیجیتال است. اما در برابر این توجیحات فریبنده باید پرسید: چگونه است که در منطق سرمایه، ضربه به حاشیه‌ی سودهای افسانه‌ای یک کارفرمای دیجیتال خط قرمز تلقی می‌شود، اما استهلاک جان و روان یک کارگر بی‌پناه، هیچ خدشه‌ای به اقتصاد وارد نمی‌کند؟ آیا اقتصاد دیجیتال باید سوخت خود را از فرسودگی نیروی کار ارزان تامین کند؟

این استنمار در حالی رخ می‌دهد که با نگاهی به تحولات جهانی، شاهدیم در بسیاری از کشورها، اتحادیه‌های کارگری رانندگان پلتفرمی با سازماندهی و اعتصاب، غول‌هایی چون «اوبر» را به زانو درآورده‌اند. آن‌ها در دادگاه‌های بریتانیا و اروپا توازن قوا را به نفع خود تغییر دادند و این ابرشرکت‌ها را وادار ساختند به لحاظ حقوقی بپذیرند که این صرفاً یک همکاری انتزاعی نیست، بلکه یک رابطه‌ی اصیل و کلاسیک «کارگری و کارفرمایی» است و رانندگان باید از تمامی حقوق، مرخصی‌ها و مزایای قانون کار بهره‌مند شوند.

در کشور ما اما، با وجود جمعیت میلیونی و بی‌دفاع رانندگان اینترنتی، رابطه‌ی کارگری و کارفرمایی به صریح‌ترین شیوه برقرار است، بی‌آنکه تعهداتش دوطرفه باشد. شرکت‌ها از هر جابه‌جایی درصدی چشمگیر به عنوان کمیسیون به جیب می‌زنند، بی‌آنکه در قبال امنیت و آینده‌ی

تولیدکنندگان واقعی این ثروت کمترین مسئولیتی بپذیرند. آن‌ها از کارگر همه چیز می‌خواهند، اما در برابر او هیچ مسئولیتی بر گردن نمی‌گیرند.

روایت بی‌واسطه؛ فریادهای خاموش در هیاهوی خیابان

برای درک بهتر این شرایط، باید پای صحبت کسانی نشست که بار اصلی این اقتصاد را بر دوش می‌کشند. یکی از رانندگان موتورهای اینترنتی که پس از ساعت‌ها پیمایش در ترافیک پرخطر و دودآلود پایتخت، در گوشه‌ای توقف کرده تا نفسی تازه کند، درباره‌ی شرایط سخت و ناعادلانه‌ی کار خود می‌گوید: «پلنفرم‌ها به صورت کاملاً یک‌طرفه از هر سفر ما بیست درصد کامل به عنوان کمیسیون کسر می‌کنند و در کنار آن بار سنگین، سه تا چهار درصد دیگر هم به عناوین مختلف از جمله مالیات از حساب ما برمی‌دارند. من مدام از خودم و از مسئولان می‌پرسم وقتی شما حاضر نیستید من کارگر را بیمه کنید، وقتی هیچ تعهدی در قبال بیماری، تصادف و از کار افتادگی من ندارید، دیگر گرفتن این مالیات و این درصد هنگفت چه صیغه‌ای است؟ آدم اگر در یک شرکت، کارگاه یا مغازه‌ی کوچکی استخدام شود، کارفرما موظف است او را از روز اول بیمه کند، آن فرد از مزایای ابتدایی مثل مرخصی استحقاقی، عیدی و پاداش اعیاد برخوردار می‌شود و در ازای داشتن تمام این حقوق قانونی و چتر حمایتی، بدیهی است که مالیاتش را هم می‌پردازد. اما شرکت تمام مزایا را حذف کرده و فقط بخش مالیات و کسر درآمد را برای ما نگه داشته است!»

این کارگر زحمتکش در ادامه با اشاره به هزینه‌های کمرشکن و نبود امنیت جانی می‌افزاید: «این شرکت‌ها هیچ‌گونه مسئولیتی در قبال ما نمی‌پذیرند. اگر همین فردا در این شلوغی و هرج و مرج خیابان‌ها، اتفاقی برای من و این موتور رخ بدهد، اگر تصادف کنم و خانه‌نشین شوم، تمام هزینه‌های درمان، خسارت‌ها و خرج عقب‌ماندگی از زندگی، را باید به تنهایی از جیب خالی خودم بپردازم؛ در حالی که شرکت هرچه تا امروز سود کرده، هرچه برج و بارو ساخته و تا این حد بزرگ و ثروتمند شده، تماماً از کار فیزیکی و زحمت امثال من بوده. من برای اینکه شرمنده‌ی زن و بچه‌ام نشوم، روزی ده ساعت و حتی روزهایی بیشتر از دوازده ساعت روی این موتور در گرما و سرما جان می‌کنم، اما وقتی آخر ماه حساب و کتاب می‌کنم، می‌بینم که حداقل ماهی چهار میلیون تومان از همین درآمد بخورونمیر را باید فقط خرج استهلاک موتور، تعویض روغن، لنت ترمز و لاستیک کنم. با وجود تمام این فشارها و هزینه‌های شخصی، شرکت هیچ مسئولیتی را گردن نمی‌گیرد و تنها کاری که خوب بلد است، این است که بی‌وقفه مالیات و کمیسیون از جیب ما بردارد و ما را در برابر خطرات خیابان تنها بگذارد.»

تقابل طبقاتی در سایه‌ی سکوت قانون

در حالی که تمام مستندات حقوقی و واقعیات عینی بر وجود بلامنازع «روابط کارگری و کارفرمایی» میان رانندگان و شرکت‌های پلنفرمی دلالت دارند، این غول‌های فناوری صرفاً برای حفظ منافع خود از پذیرش قوانین کار طفره می‌روند. در اینجا ما صرفاً با یک تخطی حقوقی روبه‌رو نیستیم، بلکه با یک شکاف و تضاد عمیق طبقاتی مواجهیم؛ جایی که صاحبان ابزار و پلنفرم‌های دیجیتال، ارزش افزوده‌ی تولیدشده توسط نیروی کار ارزان و بی‌ثبات‌کار را به نفع خود مصادره می‌کنند. در این ساختار نابرابر، کارگران اقتصاد دیجیتال به برده‌های مدرنی بدل شده‌اند که تمام خطرات فرایند تولید،

از استهلاک جسمی تا تصادفات و ناامنی شغلی بر دوش آن‌هاست، درحالی‌که انباشت ثروت و سود حاصل از این چرخه، مستقیماً به جیب طبقه‌ی برخوردار سرازیر می‌شود.

در این میان، آنچه بیش از پیش بر زخم این کارگران نمک می‌پاشد، انفعال و سکوت نهادهای دولتی، وزارت کار و مراجع ذی‌ربط است؛ دستگاه‌هایی که وظیفه‌ی‌شان پاسداری از حقوق نیروی کار است، اما با نظاره‌گری خود، عملاً به معنای همسویی با سرمایه‌داری پلتفرمی عمل کرده‌اند.

***آموزش نظامی به کودکان نقض آشکار کنوانسیون حقوق کودک**

بر اساس گزارش‌ها و ویدیوهای منتشرشده در فضای مجازی، گروهی از کودکان و نوجوانان در برخی مساجد و پایگاه‌های بسیج در ایران تحت آموزش‌های نظامی قرار گرفته‌اند. این آموزش‌ها، بنا بر شواهد موجود، شامل آشنایی و حتی کار عملی با سلاح‌هایی مانند کلاشینکف و وینچستر است و به‌صورت سازمان‌یافته و در بسترهای عمومی انجام می‌شود. این روند نگرانی‌های جدی در حوزه حقوق کودک ایجاد کرده است.

ایران به‌عنوان یکی از کشورهای عضو کنوانسیون حقوق کودک، متعهد به حمایت از کودکان در برابر هرگونه بهره‌برداری و فعالیت‌هایی است که سلامت جسمی و روانی آن‌ها را به خطر می‌اندازد. همچنین بر اساس استانداردهای بین‌المللی، مشارکت یا آماده‌سازی افراد زیر ۱۸ سال برای فعالیت‌های نظامی می‌تواند در تعارض با اصل «منافع عالی کودک» تلقی شود.

در مجموع، تداوم این نوع برنامه‌ها، در صورت تأیید، می‌تواند مصداقی از نظامی‌سازی فضای کودکی و نقض تعهدات بین‌المللی در حوزه حقوق کودک باشد و نیازمند بررسی مستقل و شفاف از سوی نهادهای مسئول و بین‌المللی است.

برگرفته از کانال شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

***حامد تیزرویان عکاس محیط زیست بازداشت شد**

گزارش‌ها از بازداشت حامد تیزرویان، عکاس خبری و فعال مدنی و توقیف لوازم الکترونیکی وی از سوی نیروهای امنیتی حکایت دارد.

به گزارش فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران، روز سه‌شنبه 28 اردیبهشت‌ماه زینب رحیمی خبرنگار حوزه محیط زیست در صفحه شخصی خود نوشت: حامد تیزرویان عکاس حیات وحش و فعال محیط زیست اهل مازندران 14 اردیبهشت در ساری بازداشت شده، وسایل الکترونیکی او موقع بازداشت ضبط شده است.

به نوشته خانم رحیمی از علت بازداشت، نهاد بازداشت‌کننده و محل نگهداری این عکاس مطبوعاتی اطلاع دقیقی در دست نیست.

حامد تیزرویان عکاس حیات وحش و کارشناس زیست‌جانوری متولد سال 1370 در مازندران است که سابقه همکاری با برخی نشریات و رسانه‌ها به عنوان عکاس را در کارنامه خود دارد.

*لیست اسامی 9 روزنامه‌نگار زندانی در ایران

سه شنبه 29 اردیبهشت 1405

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران در راستای فعالیت‌های خود، به صورت هفتگی لیست به روز رسانی شده از روزنامه‌نگاران زندانی در ایران را منتشر می‌کند.

9 روزنامه‌نگاری که هم اکنون در ایران زندانی هستند عبارتند از:

1- رضا ولی‌زاده، خبرنگار سابق رادیو فردا که از اسفندماه گذشته به ایران سفر کرده بود، اوایل مهرماه از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شد.

2- محمد پارسی سردبیر نشریه کندو روز چهارشنبه 15 بهمن‌ماه و در پی احضار به دادرسی فرهنگ و رسانه بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

3- آرتین غضنفری عکاس خبری روز 19 دی‌ماه از سوی نیروهای امنیتی در منزل مسکونی خود در مشهد بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

4- سمیه حیدری خبرنگار نشریه یول در تبریز روز یکشنبه 12 بهمن‌ماه از سوی نیروهای امنیتی در منزل شخصی‌اش خود بازداشت شد.

5- پدram علمداری سردبیر نشریه یول در تبریز روز یکشنبه 12 بهمن‌ماه از سوی نیروهای امنیتی در منزل شخصی‌اش خود بازداشت شد.

6- کیانوش درویشی روزنامه‌نگار و خبرنگار سابق انصاف نیوز در پی احضار از سوی اطلاعات سپاه روز 27 بهمن‌ماه بازداشت و به زندان تهران بزرگ منتقل شد.

7- مسلم زارعی روزنامه‌نگار و فعال فرهنگی روز سه‌شنبه 26 اسفندماه توسط نیروهای امنیتی در منزل خود در کرمانشاه بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل شد.

8- امیرحسین رضایی روزنامه‌نگار سابق دنیای اقتصاد روز چهارشنبه 16 اردیبهشت‌ماه 1405 در منزل پدری خود در اراک بازداشت شد.

9- حامد تیزرویان عکاس خبری و فعال محیط زیست 14 اردیبهشت‌ماه از سوی نیروهای امنیتی در ساری بازداشت شد.

فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران در بیانیه‌هایی که پیش از این منتشر کرده، بارها سرکوب رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران در ایران را محکوم کرده است.

لازم به ذکر است در هفته‌های اخیر گزارش‌های ضد و نقیضی از آزادی برخی روزنامه‌نگاران منتشر شده بود که به دلیل قطعی گسترده اینترنت در ایران و خاموشی دیجیتال امکان راستی‌آزمایی از سوی فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران وجود ندارد.

توضیح در مورد شناخت افراد به عنوان روزنامه‌نگار در این لیست‌ها:

بر اساس تعاریف نهادهای صنفی و کارگری در ایران و همچنین قواعد فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران، ما تنها افرادی را که دست‌کم در سه سال گذشته در یک رسانه مشغول به فعالیت باشند و یا در این حرفه دارای سابقه بسیار طولانی بوده و نامدار باشند را به عنوان روزنامه‌نگار پوشش می‌دهیم و همکاران رسانه‌ای که مدیر مسوول یا مدیر کانال‌های خبری هستند را با عنوان فعال رسانه‌ای معرفی می‌کنیم. البته این تنها آمار منتشر شده از منابع رسمی است و احتمال وجود افراد بیشتر در زندان به دلیل عدم شفافیت مقامات ایران در مورد روزنامه‌نگاران وجود دارد.

***نت بلاکس : تلاش رژیم ایران برای گسترش چنگال دیجیتال خود در سطح بین‌المللی**

روزسه شنبه 19 مه، نت بلاکس (NetBlocks) نهاد ناظر بر قطعی‌ها و اختلالات اینترنت در سراسر جهان اعلام کرد:

قطع اینترنت در ایران اکنون پس از ۱۹۲۰ ساعت وارد هشتاد و یکمین روز خود شده است. در همین حال، رژیم تلاش می‌کند چنگال دیجیتال خود را در سطح بین‌المللی نیز گسترش دهد؛ از جمله با مطالبه کنترل بر کابل‌های سایر کشورها در تنگه هرمز و وادار کردن شرکت‌های بزرگ فناوری به تبعیت از قوانین جمهوری اسلامی.

***تجمع اعتراضی کارگران در آتن نسبت به افزایش تورم و گرانی و کاهش قدرت خرید و ثابت ماندن دستمزدها**

روزسه شنبه 29 اردیبهشت، صدها نفر از کارگران بخش خدمات عمومی، حمل‌ونقل و شهرداری‌های یونان برای اعتراض به افزایش تورم و گرانی و کاهش قدرت خرید و ثابت ماندن دستمزدها دست به تجمع در آتن زدند و خواستار افزایش حقوق شدند.



اتحادیه‌های کارگری اعلام کرده‌اند که فشار ناشی از افزایش هزینه‌های زندگی، به‌ویژه در بخش انرژی و کالاهای اساسی، شرایط معیشتی بسیاری از خانواده‌ها را دشوار کرده است. برخی گزارش‌ها نیز از اختلال محدود در خدمات شهری و حمل‌ونقل عمومی در جریان این تجمع‌ها خبر می‌دهند.



تصاویر منتشرشده از میدان سینتاکما و اطراف پارلمان یونان، حضور گسترده نیروهای پلیس و تجمع معترضان با پلاکاردهای اعتراضی را نشان می‌دهد.

***جان باختن یک دستیار سال اول رشته تخصصی اطفال بر اثر سقوط از طبقه چهارم مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور رشت**

روزسه شنبه 29 اردیبهشت، یک دستیار سال اول رشته تخصصی اطفال(تکمیل ظرفیت، ورودی بهمن ماه1404) بر اثر سقوط از طبقه چهارم مرکز آموزشی درمانی 17 شهریور رشت جان خود را از دست داد.

***جان باختن یک کارگر معدن نگین در پرونده طبس بر اثر گازگرفتگی**

دوشنبه شب(28 اردیبهشت)،یک کارگر 43 ساله بنام جوادپسرکلو، اهل مینودشت حین کار در معدن شماره 2 شرکت نگین واقع در منطقه معدنی پرونده طبس دچار گازگرفتگی شد و دردم جان باخت.

بنابه گزارش رسانه ای شده،بر اساس بررسی‌های اولیه، سه نفر از نیروهای عملیاتی در زون کاری خود مشغول فعالیت بوده‌اند که در جریان انجام کار، مشخص می‌شود یکی از تجهیزات مورد نیاز از جمله شیلنگ دچار کمبود شده است. در همین راستا، یکی از کارگران به نام آقای جواد پسرکلو جهت تأمین شیلنگ به سمت یک دویل (مسیر ارتباطی عمودی/تونلی کوچک) مراجعه می‌کند.

این دویل که به‌عنوان مسیر ارتباطی میان لایه‌های زغالی یا تونل‌های فرعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، ظاهراً در زمان حادثه یا استفاده نشده بوده و یا از تهویه مناسب برخوردار نبوده است. در

نتیجه، کارگر هنگام ورود به این فضا، دچار گازگرفتگی شده و در همان محل جان خود را از دست می‌دهد.

***جان باختن یک کارگر جوان یکی از واحدهای صنعتی شهرستان ملایر بر اثر برق‌گرفتگی**

روزدوشنبه 28 اردیبهشت، یک کارگر 22 حین کار در یکی از واحدهای صنعتی شهرستان ملایر، استان همدان دچار برق‌گرفتگی شدید شد و جان خود را از دست داد.

akhbarkargari2468@gmail.com